

وظایف ردان (radān) در دوره ساسانیان از مادیان هزار دادستان

زهرا حسینی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۴

چکیده

مادیان هزار دادستان تنها نسخه خطی ناقص از چندین مجموعه حقوقی دوره ساسانی است. در این کتاب علاوه بر قانون‌گذاران و مفسران حقوقی، مقامات دینی زردشتی مانند موبدان، هیربدان، دستوران و ردان نیز در نقش قاضی ظاهر شده و حکم صادر کرده‌اند. این گفتار با استناد به کتاب حقوقی مادیان و با هدف شناختن جایگاه ردان در دوره ساسانیان به‌روش تحلیلی تاریخی نوشته شده است. پرسش‌های مقاله این است: بنابر مادیان، ردان در دوره ساسانی چه وظایفی داشتند و احکام صادره آن‌ها کدامند؟ بررسی‌ها نشان داد: این دین‌مردان در دستگاه روحانیت دوره ساسانی وظایفی مشخص داشتند و به‌عنوان دستیاران پادشاه برای اعتلای حکومت دینی و کشور می‌کوشیدند. ردان در قانون‌گذاری و نظارت بر آن و حفظ آموزه‌های دینی و منافع کشور بسیار پرانگیزه و پویا ظاهر شده‌اند. آن‌ها در باز پس گرفتن مالکیت و مالیات نهادن بر دارایی و مسایل خرید و معاوضه و ارزیابی ارزش اموال آتشکده صلاحیت داشتند. درآمد دولت ساسانی از مالیات حاصل می‌شد. تعیین مالیات و دریافت آن و رسیدگی به امور درآمدی دولت به ردان واگذار شده بود. حسابرس ارزش و بهای اموال منقول و غیرمنقول و ورود دارایی به خزانه شاهی و خروج آن و اسناد واگذاری و تحریم و غیره را محاسبه و آماده می‌کرد؛ سپس، با حضور رد میزان دارایی خزانه را گزارش می‌داد. رد باید گزارش حسابرس را بررسی و تایید می‌کرد. ردان، در دوره انوشیروان جایگاه ویژه‌ای احراز کردند و مَهر آنان در کنار مَهر موبدان به اسناد اعتبار می‌داد و وظایف آن‌ها بیان‌گر قدرت و نفوذ آنان در دین و دولت بوده است.

کلیدواژه‌ها: ساسانیان، مادیان هزار دادستان، انوشیروان، تشکیلات روحانیون، ردان

^۱ دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (hosseini_z90@yahoo.com)

مقدمه

در دوره ساسانی چندین مجموعه حقوقی وجود داشته است که امروز، تنها یکی از آن‌ها باقی است و از آن، تنها یک نسخه خطی ناقص در دست است. جمع‌آورنده آن کتاب، فرخ مرد وهرامان (فرخ مرد پسر بهرام) است که اطلاعی از زندگی او نداریم؛ گردآورنده بر آن بوده است که قضایای حقوقی را، چه آن‌هایی که اتفاق افتاده و چه آن‌هایی که بالقوه می‌توانسته اتفاق بیافتد، در کتاب گردآوری کند (تفضلی، ۱۳۸۶: ۲۸۶-۲۸۷). در *مادیان* علاوه بر داوران^۱ و قانون‌گذاران، دین‌مردانی چون موبدان، هیربدان، دستوران و ردان نیز حکم صادر کردند. همین‌طور، احکام بسیاری وجود دارد که نام مفسر ندارند؛ مثلاً، بدین صورت شروع شده است: «جایی نوشته شده است...» یا «نوشته شده است که...» یا «کسی بود که گفت...». باید گفت که، از نظر ارزش اجرایی احکام، هیچ فرقی بین حکم صادر شده از مفسری نام‌آور و حکمی که بدون نام مفسر نوشته شده است، وجود ندارد.

در این گفتار، پیش از وارد شدن به موضوع اصلی، اشاره‌ای اجمالی به مقامات دینی شد. بنابر *مادیان*، کتابی به نام «خویشکاری-نامه موبدان» وجود داشت که وظایف موبدان در آن نوشته شده بود؛ و اگر موبدی در امری به قطعیت نمی‌رسید، بنابر همین کتاب، وظیفه او متوقف کردن اجرای حکم بود (Anklesaria, 1912: 26/11-16) و (Perikhanian, 1997: 295). از چهار موبدان موبد نام برده شده و احکام صادره آن‌ها در این گفتار آمده است (←موبدان). از هیربدان یک حکم دیده شد (←هیربدان). بسیاری از احکام نیز از قول دستوران^۲ نوشته شده است؛ چون نگارنده، قبلاً، مقاله‌ای راجع به دستوران و وظایف دستوری نوشته است، در این گفتار، احکامی از آن‌ها نوشته نشد و ارجاع به آن مقاله داده شد. دستوران بنا بر متون دینی، بسیار با مردم مأنوس بودند و هر مومنی یک دستور را به‌عنوان پیشوای دینی انتخاب می‌کرد و راهنمایی می‌خواست. در *مادیان* نیز دستوران در نقش داور و پیشوای دینی به امور مردم رسیدگی و حکم می‌کردند (←دستوران). ردان،

^۱ dādwār: داور، یکی از قضایانی بود که از جانب داوران (دادور داوران) برای امور قضایی ارتش تعیین می‌شد و کارهای قضایی و حقوقی سپاه را برعهده داشت... (میراحمدی، ۱۳۹۰: ۶۷۲). در مورد داور و داور، نک. (Anklesaria, 1912: 25/16-30/5); (Shaki, 2011c: 557-559). بنابر *مادیان*، مهر داوران نخستین بار به فرمان خسرو قبادان صورت می‌پذیرد (Modi, 1901: 93/4-9).

^۲ dastwār: پورداود در بخش دوم کتاب یسنا از پیشوایان نوشته است: دستور در معنی درست واژه وزیر است که به معنی داور کننده یا فتوی‌دهنده است. دستور یکی از پایه‌وران دادستان است. در پهلوی و فارسی بزرگ‌ترین اندرزید یا نخستین وزیر است. هم‌چنین بزرگ‌ترین پایه پیشوایی است (پورداود، ۱۳۳۷: ۲۰-۲۱). او در یادداشت‌های گات‌ها توضیح می‌دهد: چون امروز از واژه وزیر معنی اصلی بر نمی‌آید، به‌جای آن، دادگستری آورده است (پورداود، ۱۳۸۱: ۳۸-۳۹). پریخانیان این مقام فقهی-حقوقی را چنین توصیف می‌کند: دستور، نماینده تام‌الاختیار، امانتدار، معتمد، متولی، سرپرست، کسی که می‌تواند حق یا ادعای مالکیت را به سر و سامان برساند (Perikhanian, 1997: 348). در مورد دستوران و وظایف دستوری، نک. (حسینی، ۱۳۹۷ ج: ۵۲۳-۵۵۵).

دین‌مردانی که موضوع این گفتار هستند، در دوره انوشیروان جایگاه ویژه‌ای احراز کردند و مهر آنان در کنار مهر موبدان به اسناد اعتبار می‌دهد و وظایف آن‌ها بیان‌گر قدرت و نفوذ آنان در دین و دولت است. انتقال دارایی کافر و جادوگر به رد سبب شد، تا چند حکم موجود در باره جادوگر و جادوگری از مادیان نیز در این مقاله بررسی شود. موضوع این گفتار **نخستین پژوهش مستند تاریخی** در باره وظایف ردان و جایگاه دینی و سیاسی و اقتصادی آن‌ها از دوره ساسانیان است.

روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد تاریخی به روش توصیفی تحلیلی نوشته شده است، ضمن مطالعه پژوهش‌ها و ترجمه‌های پیشین، اصل نسخه مادیان هزار دادستان مبنای استخراج احکام بوده است؛ مقابل احکام حقوقی مادیان، شماره صفحه و سطر نسخه نوشته شده است تا تطبیق و ارجاع برای استادان فن آسان باشد.

پیشینه پژوهش

مادیان هزار دادستان از جهت مطالعه وضع اجتماعی دوره ساسانی اهمیت به‌سزایی دارد. نخستین ترجمه فارسی^۱ این کتاب از رستم شهزادی در سال ۱۳۶۵ منتشر شده است؛ مطابقت آن با دست‌نویس غیرممکن است. دومین ترجمه فارسی را سعید عریان در سال ۱۳۹۱ به‌چاپ رسانده است. مقاله‌های متعددی در باره موضوعات گوناگون این کتاب ارزشمند نوشته شده است؛ مانند (۱) مقاله‌های منصور شکی: «ایوکیان» (۱۹۸۷)، «برده و برده‌داری» (۱۹۸۸)، «ازش-ماند» (۱۹۸۸)، «چکر» (۱۹۹۰)، «داور، داور، داور» (۱۹۹۳)، «دستور» (۱۹۹۴)، «قانون خانواده» (۱۹۹۹؛ ۲) مقاله ماتسوخ: «مادیان هزار دادستان» (۲۰۰۵؛ ۳) نگارنده پاره نخست از رونوشت مَدی (شامل ۵۵ صفحه دست‌نویس) را با عنوان «مادیان هزار دادستان» (۱۴۰۰)، تصحیح و چاپ کرده است. ۱۴ مقاله‌آئیز در باره موضوعات ارزشمند این کتاب حقوقی نوشته است؛ از میان آن‌ها، موضوع مقاله «دستوران و وظایف دستوری از مادیان هزار دادستان» - که بررسی وظایف این پیشوایان دینی حقوقی است - تا حدی به این مقاله مربوط می‌شود. دلپذیر و همکاران (۱۳۹۰)، در مقاله «رد و موبد در شاهنامه» این دین‌مردان را در شاهنامه بررسی کرده‌اند و نوشته‌اند که، واژه رد و مشتقات آن (ردی، ردان و...) ۱۰۸ بار در شاهنامه به‌کار رفته است و ۶۳ بار رد و موبد در کنار هم آمده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند: ردان

^۱ در مورد نویسنده و تاریخ متن دست‌نویس و پیشینه ترجمه و پژوهش به انگلیسی، آلمانی و روسی، نک. (حسینی، ۱۴۰۰: ۱۳-۲۵).

^۲ نک. (همان: ۲۲۵-۲۲۶).

همان دستوران یا داوران بودند که در سلسله مراتب روحانی جایگاه ویژه ای داشتند و ردان و موبدان کارکردهای مشترک دارند و به نوعی گردانندگان اصلی حکومت به شمار می‌روند. میرزایی (۱۳۹۱)، در مقاله «بررسی فرایند شکل‌گیری سلسله مراتب روحانیت در عصر ساسانی» در سلسله مراتب روحانیون به ردان اشاره دارد و می‌نویسد ردان از جمله کسانی بودند که در حوزه‌های اداری با شهر و نواحی روستایی ارتباط داشتند، ولی کارکرد و نقش آن‌ها چندان روشن نیست. آن‌ها را معمولاً، مسئولان دیوان دستگاه دینی می‌پندارند.

مقامات دینی زردشتی

بنابر نوشته‌های زردشتی، مردم عادی باید پیشوای دینی می‌داشتند؛ تا پرسش‌ها و دغدغه‌هایشان را با پیشوای خود مطرح می‌کردند و در کلیه امور راهنمایی و مشورت می‌گرفتند. «این که همه بهدینان را واجب است که پیش موبدان و دستوران و ردان و هیربدان به قدر خود سخن گفتن و هر چه ایشان بگویند، به‌جان بشنوند و حقیقت دانند و در آن هیچ جواب و سوالی نکنند» (Dhabhar, 66: 1909). مانند اقرار به گناه و توبه که، بهدینان باید پیش پیشوای خود بروند و گناهان خود را در نزد او اعتراف کرده و توبه کنند «هر گاه که گناه از دست آید، جهد باید کردن تا پیش هیربدان و دستوران و ردان شوند و توبه کنند (Ibid: 34). در مادیان نیز این مقامات احکام بسیاری در دادرسی‌ها صادر کرده‌اند که بیان‌گر جایگاه دینی و سیاسی آن‌هاست.

موبدان (mowbedān): موبدان نخستین طبقه پیشوایان دینی نفوذ زیادی در امور زندگی و اجتماعی مردم داشتند. این دین مردان از شناخته‌شده‌ترین مقامات دینی زردشتی بودند. بنابراین، فقط اشاره‌ای مختصر به جایگاه و فتوای آنان بنابر احکام مندرج در کتاب حقوقی مادیان می‌شود. دو حکم زیر بیان‌گر نفوذ و قدرت این روحانیون است: الف) موبدان موبد^۱ می‌تواند به سخنان دیگران شک کند، اما دیگران هر آن‌چه که موبدان موبد می‌گویند، باید باور کنند؛ ب) سخن موبدان موبد نافذتر از وَر (آزمایش دینی)^۲ است: در مورد توافق (و پذیرش رای قضایی) صادره از سوی موبدان موبد و (در مقابل آن) وَر، چنان‌که از دبیر نقل می‌کنند، رای موبدان موبد را باید از وَر نیز نافذتر پنداشت (Anklesaria, 1912: 27/4-7) و (عریان، ۱۳۹۱: ۳۳۸). در حکمی شرعی از وظایف موبدان بنا بر کتاب خویشکاری-نامه موبدان آمده است: از پیشگسر (مفسر) نقل شده است: موبد در گماردن

^۱ ریاست مقامات مذهبی را موبدان موبد یا دانای دانایان می‌خواندند (میراحمدی، ۱۳۹۰: ۶۳۸).

^۲ در مورد وَر یا آزمایش دینی، نک. (پورداود، ۱۳۷۷: ۵۶۷-۵۷۱) و (حسینی، ۱۴۰۰: ۱۴۳).

کسی به قیمومت و سالاری و باز پس گرفتن (منصب از او) و بر نهادن مالیات بر مالی که بنا بر دستور موبد به آتشکده بازگردانده شده است، صلاحیت دارد (Anklesaria, 1912: 26/11-16)؛ (Perikhanian, 1997: 295) و (عریان، ۱۳۹۱: ۳۳۸).

نام چهار موبدان موبد و فتوای آن‌ها در مادیان آمده است: (۱) آذرباد زردشتان: موبدان موبد معاصر با یزدگرد دوم ساسانی (Perikhanian, 1997: 416)، وصیت می‌کند که سالاری آتشکده به فرزند پرهیزگارتر او برسد (Anklesaria, 1912: 36/3-6). (۲) آذرباد مرد-بودان: این موبدان موبد در حکمی اظهار می‌کند سالاری آتشکده را همسرش داد-خوش داشته باشد. این حکم بسیار مهم است. موبدان موبد پیشوای والامقام راه را برای سالاری زنان^۱ باز می‌کند و نمونه عملی آن خودش است (Anklesaria, 1912: 36/6-12). (۳) مرد-بود: موبدان موبد معاصر پیروز^۲ شاه ساسانی است. مهر نرسی بزرگ فرمدار ایران در دوره بهرام گور مرتکب گناهی می‌شود که ماهیت آن گفته نشده است. همان زمان مهر نرسی و خانواده‌اش^۳ به بندگی (خادمی) آتشکده واگذار می‌شوند، تا با خدمت در آتشکده از گناه پاک شوند. او زمان یزدگرد دوم به سبب مجرمیت به استان منتقل می‌شود و در آن‌جا نگاهداشته می‌شود؛ سرانجام در زمان پیروز یکم، شاه با مشورت مرد-بود، که موبدان موبد بود، مهر نرسی را برای بندگی به آتشکده دیگری واگذار می‌کند؛ یعنی پیروز شاه برای ادامه محکومیت مهر نرسی با موبدان موبد مشورت می‌کند (Anklesaria, 1912: 39/11-17). (۴) وه شاپور: این موبدان موبد تدوین‌کننده اوستا در زمان خسرو انوشیروان است (Perikhanian, 1997: 418). بنابر نسخه‌ای که او مهر کرده در باره ضرورت تنظیم دقیق و قطعی پرونده متهم به مرگ (مرگ-ارزان) نوشته شده است (Anklesaria, 1912: 34/6-9, 34/13-17). و در وصیت نامه‌اش احکامی در باره قیمومیت و انتقال دستگرد (زمین زراعی) با بردگان ساکن در آن دارد (Ibid: 35/14-16, 36/17-37/1).

هیربدان (hērbedān): «هیربذ» (هیربدان هیربذ) زیر نظر «موبد موبدان» قرار داشت و سرپرست آتشکده بود (میراحمدی، ۱۳۹۰: ۶۳۸). هیربدان هیربذ، رئیس کل همه «هیربذ»ها بود و

^۱ نک. (حسینی و میرفخرایی، ۱۳۹۵: ۵۷-۷۶).

^۲ در مورد پادشاهی فیروز اول (پیروز)، نک. (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۲۰۲-۲۰۴).

^۳ یکی از خصایص بد مجازات‌های زمان ساسانی این بود که مجازات جانی از خود به خانواده‌اش سرایت می‌کرد (ظن قوی این است که این نظر در مورد جنایات سیاسی اعمال میشد) (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۲۴۲).

پس از موبدان موبد، مقام عالی روحانیت زردشتی را داشت و گاه معاون یا مشاور او بود. مقام «هیربدان هیربد» گاه با «موبدان موبد» مترادف بود، اما بعدها که مراتب روحانیون، ترتیب بیش‌تری یافت، «هیربدان هیربد» نظارت بر امور آتشکده‌ها را برعهده گرفت (همان: ۶۴۵). هیربد در کتاب زند بهمن یسن^۱ به معنی آموزگار در کنار شاگرد آمده است: ایشان که به هیربدی و هاوشتی (آموزگاری و شاگردی) نامورند... (راشدمحصل، ۱۳۷۰: ۷). در قطعه‌ای دیگر اورمزد به زردشت می‌گوید: ... به هیربدان و هاوشتان بگوی تا در جهان بگویند که، به امید رستاخیز و برای نجات روان خویش، زشتی و بلای دیوپرستان را تحمل کنند (همان: ۹). بهدینان باید پیش هیربدان خط اوستا را بیاموزند تا در نیایش خطا نکنند. «بیش‌تر واجب است هیربدان و استادان که به همه بهدینان خط اوستا بیاموزند و اگر هیربد در آموختن ایشان تقصیر نماید، او را عظیم گناه باشد» که قول اورمزد به زردشت این است: اگر هر هیربدی و استادی در آموختن اوستا به بهدین کوتاهی کند، او را از بهشت چنان دور کنم که پهنای زمین است (Dhabhar, 1909: 66). هیربد تعلیم دهنده بهدین، برگزار کننده مراسم یشت و مراسم درگذشتگان (برشنوم). نک. (مزدپور، ۱۳۶۹: ۱۱۲، ۱۶۵، ۲۳۱): (راشد محصل، ۱۳۸۵: ۳۸۴): (فکری، ۱۳۸۸: ۱۰۱-۱۱۲): (میرفخرایی، ۱۳۹۳: ۲۳۳-۲۳۴): (رسولی (طالقانی)، ۱۳۹۶: ۶۹-۸۱). در *مادیان هزار داستان*، یک‌بار به هیربدان اشاره شده است (Modi, 1901: 5/9-17؛ حسینی، ۱۴۰۰: ۸۷). در یک دادرسی، خواهان و خوانده بر مالکیت دارایی مورد دعوی، اطمینان و اصرار دارند؛ جلسه دادرسی با حضور دستور ترتیب داده می‌شود. اما در دعوی، خوانده می‌گوید، تو مالک این دارایی نیستی، زیرا مال من است. به نظر می‌رسد، خوانده، سند معتبری مبنی بر ادعای خود به دادگاه ارائه نداده و از نتیجه دادرسی نیز راضی نیست و خواستار تشکیل دادرسی با حضور دستور می‌شود؛ مفسران در تشکیل جلسه دادرسی با حضور دستور اختلاف نظر دارند. مفسری می‌گوید، لزومی ندارد و مفسری می‌گوید، برای ایجاد اعتماد جلسه دادرسی ترتیب داده شود. بنابراین، هیربدان باید برای ترتیب جلسه دادرسی با حضور دستور تصمیم بگیرند.

دستوران (dastwarān): دستور پیشوای دینی، دارنده این مقام، نگاهدارنده سنت‌های مزدیسنايي است که گاهی در مقام قاضی قرار دارد (ژینبو ۱۳۸۲: ۴۲). بنابر *مادیان*، دستوران عملاً، مشاوران حقوق شرعی در امور قضایی بودند. فصلی در این کتاب^۲ به دستور و وظایف او اختصاص دارد.

^۱ نام کتابی است به زبان پهلوی از نویسنده‌ای ناشناس، که در آن اورمزد رویدادهای آینده ایران را تا پایان عمر جهان برای زردشت پیش‌گویی می‌کند (راشدمحصل، ۱۳۷۰: هفت).

^۲ نک. (Modi, 1901: 5/3-8/13).

دستوران در این فصل به برخی از دعاوی مالی و حقوقی رسیدگی می‌کنند. لازم به ذکر است که، وظایف دستوران فقط منحصر به این فصل نیست و فتواها و احکام نوآورانه‌ای نیز در بخش‌های مختلف مادیان و موضوعات گوناگون صادر کرده‌اند. دستوران در دادرسی‌های گوناگون حضور دارند و در انجام وظیفه خود بسیار پرانگیزه ظاهر می‌شوند (حسینی، ۱۳۹۷ ج: ۵۳۳-۵۵۵).

ردان (radān): رد=رتو در فارسی به معنی دانا و خردمند و خواجه گرفته شده. در گات‌ها رتو (=رد) به معنی داور (قاضی) است. در هات ۳۱، بند ۲ خود زردشت داور دادگاه ایزدی است. در روز شمار داوری با خود پیامبر است (پورداود ۱۳۸۱: ۳۱-۳۱). رد (rad) به معنی «داور» و «پیشوای دینی» یا «قاضی»^۱. در چند بند از گاهان و در بسیاری از بندهای اوستای نو به معنی «سرور» و «خدایگان» است. در آیین زردشتی برای هریک از آفریدگان اورمزدی نیز سرور و سرداری گمان شده است؛ از آن جمله گیاه «هوم» رد گیاهان، «گندم» رد دانه‌ها و... (راشدمحصل، ۱۳۸۵: ۱۴۲)؛ کسی که نخست دین پذیرفت، اردیبهشت است. سروری و ردی اورمزد را ستود (همان: ۱۰۱). پس نخستین رد و سرور اورمزد است. در کتاب فقهی صد در نشر، نام ردان همراه دیگر پیشوایان دینی آمده است. پیشوایانی که وظیفه انحصاری کردن آموزش را دارند، و اگر غیر از این عمل کنند، گناه آن‌ها نابخشودنی است. فقط مروجین دین باید آموزش ببینند. «موبدان و دستوران و ردان و هیربدان را نشاید که همه کس را پهلوی آموزند. زردشت از اورمزد می‌پرسد که پهلوی آموختن سزاوار چه کسانی است، اورمزد جواب می‌دهد که، هر کسی که از نسل تو باشد، موبد و دستور و هیربدی که خردمند باشد. دیگر هیچ کس نشاید. جز این که گفته‌ام، اگر دیگران را آموزد، او را عظیم گناه باشد. حتی اگر کار نیک بسیار کرده باشد، فرجام او دوزخ خواهد بود» (Dhabhar, 1909: 67). فصل سیزدهم کتاب پنجم دینکرد به پیشوایان دینی و اندرز آنان پرداخته است. در مورد ردان نوشته شده است: هر نیکی از آنان است به‌ویژه این اندرزها (آموزگار و تفضلی، ۱۳۸۶: ۵۴).^۲ برخی وظایف ردان در کتاب‌های دینی و روایتی پیداست؛ مانند الف) تعیین مجازات بنابر دین: اندازه تاوان در دین به وضوح پیداست، هر تاوانی به فتوی و فرمان ردان (پیشوای دینی) و داوران است (آموزگار و تفضلی، ۱۳۸۶: ۵۰)؛ ب) رسیدگی به توبه گناهکار و پرداخت کفاره گناه: اگر گناهکار توبه کند تاوانی که رد دینی تعیین می‌کند، باید ادا کند، اگر آن تاوان را ادا نکند، جایز است برابر آن را گرو کند (مزداپور، ۱۳۶۹: ۹۹-۱۰۰)؛ ج) رسیدگی به جرایم اجتماعی، شنیدن اعتراف و توبه گناهکار و رازداری از جمله

^۱ نک. (راشدمحصل، ۱۳۸۵: ۱۴۲ و ۱۴۷) و (آموزگار و تفضلی، ۱۳۸۶: ۴۰).

^۲ برای اندرزها، نک. (آموزگار و تفضلی، ۱۳۸۶: ۵۴-۷۶).

وظایف ردان است: گناه همیمان (=خصمان)^۱ را نزد ردان باید جبران کنند و هرچه ردان دین فرمایند، بکنند و گناه مرگ ارزان را نیز باید نزد ردان اعتراف و تن به مجازات سپرده شود. جز به ردان تن سپردن مجاز نیست (مزداپور، ۱۳۶۹: ۹۵). اگر گناهکار متهم به مرگ، تن و دارایی خود را به ردان بسپارد و صادقانه توبه کند و ردان به او اجازه کار و کرفه بدهند، نتیجه کار و کرفه به او می‌رسد؛ چنانچه رد، سربریدن او را دستور بدهد، او بی‌درنگ اشو می‌شود (همان: ۹۶). گناهکار برای نشان دادن صداقت در توبه دارایی خود را باید به آن‌ها بسپارد. ردان تعیین می‌کنند که مجرم می‌تواند با کار نیک گناهش را جبران کند یا نه. اگر مجرم به سبب مجرمیت باید بمیرد، کشته می‌شود؛ ولی به سبب اعتراف به گناه و توبه و دادن دارایی به ردان، پس از کشته شدن بخشیده شده و پاک از هر گناهی به بهشت می‌رود. اگر ردی رازداری نکند، مانند آن مجرم خواهد بود. «ردی که متهم در نزد او توبه کرده، باید به درستی گوش دهد و رازش را فاش نکند. چنانچه برای گناهی که کرده، او را سرزنش کند یا راز او را فاش کند. پس همانند وی باشد» (همان: ۹۷-۹۸؛ د) حضور رد در انتخاب قیم منصوب: اگر یک رد، موبد و یا دستور حاضر باشد، آن‌گاه درخواست ستاندن قیمومت فامیل باید به یکی از آن متشرعین رسماً اعلام گردد (صفای اصفهانی، ۱۳۷۶: ۲۵).

به نظر می‌رسد پیشوایی جامعه ردان به مرور شکل گرفته است. در *ارداویراف‌نامه* از مقاماتی که به دست اسکندر یونانی کشته شدند، بدین ترتیب نام برده شده است: او بسیاری از دستوران و داوران و هیربدان و موبدان و دین‌برداران و افزارمندان (=متخصصان) و دانایان ایرانشهر را بکشت (ژینیو، ۱۳۸۲: ۴۲). ظاهراً جامعه دینی با عنوان ردان هنوز به صورت مستقل با وظایف مشخص شکل نگرفته بود. «فرآیند تشکیلاتی شدن دستگاه روحانیت که از زمان اقدامات کرتیر آغاز شده بود، مرحله نهایی خود را در زمان کواد و خسرو انوشیروان به پایان رساند» (میرزایی، ۱۳۹۱: ۱۴۹). پس از تشکیلاتی شدن دستگاه روحانیون، وظایف ردان مشخص می‌شود.

وظایف ردان در مادبان هزار دادستان

ردان در *مادبان*، قانون‌گذار، مجری قوانین شرعی و حافظان منافع دین و دولت ساسانی هستند. وظایف ردان در حکم الف، به طور مشخص نوشته شده است و احکامی نیز در جای‌جای *مادبان*

^۱ گناه همیمان یا خصمان، گناه نسبت به خلق و مردم است و گناهی است که مرتکب را در برابر مدعی و کسی قرار می‌دهد که از آن گناه آسیب دیده است (مزداپور، ۱۳۶۹: ۱۰۴).

وجود دارند که بیان‌گر قدرت، نظارت و اختیارات این دین‌مردان دوره ساسانی هستند؛ بررسی این احکام، حدود اختیارات و وظایف ردان را در موضوعات گوناگون نشان می‌دهند.

الف) شرح وظایف ردان در حکمی مشخص: فصلی در صلاحیت عوامل دولتی وجود دارد (Anklesaria, 1912: 25/15-30/5). این فصل مربوط می‌شود به صلاحیت و حدود عملکرد و اختیارات عوامل دولتی اعم از قضات، وکلا و نیز ضابطین قانون که در اصل عوامل انتظامی را تشکیل می‌دهند (عریان، ۱۳۹۱: ۳۴۳). در حکمی از این فصل، بخشی از وظایف ردان گفته می‌شود. با توجه به این که «از اقدامات انوشیروان تعدیل مالیات‌ها بود. بدین ترتیب، تکلیف مالیات بده روشن و سبک‌تر شد» (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۲۰۹) و درآمد دولت ساسانی از مالیات حاصل می‌شد، تعیین مالیات و دریافت آن و رسیدگی به امور درآمدی دولت به ردان واگذار شده است.

(17) rad pad abāz kard ud sāk abar nihād ud xarīd ud guhrīg ud arz wahāg ī pad (1) xīr ī ātaxšān abāyēd kard ud čand mad ud pad-iz nē mad ī čiš adēn ō ātaxš kē bun (2) ud handraxt pad dēwān ī kardag hangārēnd ud pad-iz wizāy hištan ud fragār brīdan ud abārīg (3) har ān ī pad ān ēwēnag ud pad har xīr ī ātaxšān ka pad šāhīg<ān> hē āmārgarān pad-iš (4) ewer hē pad ēwar dārēnd (Anklesaria, 1912: 26/17-27/4).

ردان در باز پس گرفتن <مالکیت> و برنهادن مالیات <صلاحیت دارند>؛ و باید به خرید و معاوضه و ارزیابی ارزش دارایی آتشکده‌ها رسیدگی کنند و <در رسیدگی به این‌که چقدر دریافت شده و نیز در ثبت چیزهای دریافت نشده در آتشکده >صلاحیت دارند که اساس است. محکومیت را بر اساس دیوان مقررات تعیین می‌کنند و نیز لغو ممنوعیت/ رفع محکومیت را؛ و صدور حکم و هر چیز دیگری را به همان آیین؛ و به هر دارایی مربوط به آتشکده - که به خزانه شاهی مربوط می‌شود و حساب‌برسان در آن مطمئن هستند- باید <نتیجه رسیدگی را> قطعی دارند.

ب) بازنگری برخی اسناد و احکام صادره پیشین: این حکم به طور مشخص بیان‌گر اوضاع سیستم اداری دادرسی زمان خسروانوشیروان است. با تغییرات نظام یافته به دست این پادشاه، ردان این اختیار را دارند تا حکمی برای بازنگری برخی اسناد (مالیاتی، مالکیتی و...) و احکام صادره پیشین (پیش از تغییرات نظام یافته انوشیروان)، صادر کنند و برای انجام آن

تاسیس دفاتر نمایندگی کارفرمایان دولتی را در هر روستای استان اردشیر خوره (پایتخت مذهبی ساسانیان)^۱ لازم می‌دانند. بنا بر نوشته پیرنیا «خسروانوشیروان، قضاتی به ولایت فرستاد تا به عرایض مردم رسیدگی و از تعدیات مامورین دولتی جلوگیری کنند. دیگر این که شاه به شخصه به امور قضایی رسیدگی می‌کرد» (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۲۰۹). پیرو این اصلاحات شاه، ردان با اختیار نماینده پادشاهی حکم کردند که دفاتر قضایی در هر روستا باید افزایش یابد و حضور چهار دبیر در هر روستا برای رسیدگی به امور قضایی کافی است. بنا بر حکم زیر، رسیدگی به احکام صادره پیشین با بررسی دوباره برخی اصلاحات انوشیروان امکان‌پذیر شد.

abar ōy ī bay husrō ī kabādān pad wizīr ī radān ud <ān ī kār> (3) framānān abar ārdaxšēr-xwarrah nihang mānāgān rōstāg rōs-<tāg>...<pad> (4) wēšist andar abāyēd ud dibīr 4 frāy pad kār nē dāštan, ud fragā<r ud pursišn> (5)-nāmag ī nōg abāyēd kardan pad hanjaman pad hampursagth ī čašm agāyān < ud šahrīgān rāyēnīd> (6) ud pad nigirišn kardan ud pad muhr ī čašm agāyān ud šahrīgān ī mad ēstēnd āwištan ud ān ī (7) nōg nigirišn kunēnd ud abārīg-iz: pursišn-nāmag ud fragār pad wināhkārīh ud saxwan (8) ān kē wināhkār pad āstūd fradum ud kē wināhkār nē pad āstūd bē ka (9) wināhkār abāz ō mayān āwarēd ud ān-iz ī warōmand kard ēstēd bē pad (10) nāmag-passāz hangām ud abārīg-iz...(Modi, 1901: 78/2-10).

در زمان خدایگان خسرو قبادان بنا بر حکم ردان و کارفرمایان (ماموران دولتی) در استان اردشیر خوره در هر روستا بیش‌ترین دفاتر به ضرورت وجود داشت و چهار دبیر بیش‌تر برای کار نیاز نبود... و سند حکم صادره و پرسشنامه (مدارک بازپرسی) در دادگاه از طریق همپرسیگی شاهدان و شهروندان از نو باید تنظیم می‌شد و در صورت نگرش/ بررسی دوباره با مهر شاهدان و شهروندان، آنچه را که بازنگری کرده بودند، مهر می‌شد.

لازم به ذکر است که، این بازنگری شامل اعتراضات اشخاص نسبت به حکم صادره پیشین نیز می‌شود. و دیگر این که: پرسش‌نامه (مدارک بازپرسی) و محکومیت بنا بر گناهکاری و اقرار نخست گناهکار و موافق نبودن <گناهکار با اقرار اولیه با دقت بازنگری می‌شد>؛ مگر هنگامی که گناهکار را دوباره به

^۱ نک. (وندایی، و تاجبخش، ۱۳۹۳: ۱۱-۴۲).

دادگاه بیاورند و نیز آن که ملزم به آزمایش الهی شده باشد و یا قسم نامه بهنگام باشد (تاریخ آن نگذشته باشد) و نیز موارد دیگر...

ج) نظارت ردان بر خرید و فروش برده^۱: دو حکم زیر بیان گر نظارت ردان بر موضوع خرید و فروش برده است: ۱) خرید اسرای ایرانی: حکمی از سوی ردان صادر شده که به دارندگان آتشکده اجازه می‌دهد تا برخی از ایرانیان گرفتار در دست دشمن را برای بندگی (خادمی) آتشکده خود بخرند (Modi, 1901:103/9-10); (Perikhanian, 1997: 232). این افراد خریداری شده، بنده آتشکده می‌شدند و بندگی آتشکده نیز موروثی بود. مگر این که کسی آن‌ها را می‌خرد و آزاد می‌کرد. مردم می‌توانستند نذورات یا دارایی به این بندگان بدهند (Modi, 1901:1/7-10); (حسینی، ۱۳۹۷ ب: ۷۹-۱۰۴) و (همان، ۱۴۰۰: ۸۳). ۲) جزای فروختن برده به کافران: فروختن برده به کافران مجاز نبود. اگر می‌فروختند هردو (فروشنده و خریدار) نزد رد پهلبدین (پیشوای دین زردشتی) \langle نسبت \rangle به برده دزد بودند و باید آن‌ها را داغ می‌کردند (Modi, 1901:1/13-15).

د) وظیفه ردان در موضوع رهن^۲: وظیفه ردان در حوزه رهن، حفاظت از وثیقه تا تحویل آن به مالک اصلی، داوری در تناسب ارزش وثیقه با میزان وام در موارد لزوم، تبیین شده است. گروه‌گیرنده موظف به نگهداری و تضمین امنیت وثیقه بود. چنانچه گروه‌دهنده می‌ترسید که مال گروهی او در زمان گرو دزدیده شود، می‌توانست به ردان مراجعه کند^۳ و وثیقه را به آنان بسپارد؛ بدین گونه، مال نزد دو نفر گرو گذاشته می‌شد؛ و گروه‌دهنده در پایان قرارداد، وام را به ردان می‌پرداخت، و وثیقه‌اش را نیز از آن‌ها پس می‌گرفت (Modi, 1901:38/9-11).

چنانچه احتمال می‌رفت که، گروه‌گیرنده آسیبی به گروهی برساند یا از آن خوب محافظت نکند، گروه‌دهنده باز هم می‌توانست از ردان کمک بخواهد تا مال گروهی به آن‌ها منتقل شود. البته، گروه‌دهنده از وامی که در ازای وثیقه گرفته بود، تا زمان قرارداد می‌توانست استفاده کند.

در ضمن گفته شده است که اگر گروگاندار به مال گروهی آسیب برساند، آنگاه گروهی برای گرو داشتن به ردان منتقل می‌شود. اما درهم از او (=گروه‌دهنده) گرفته نمی‌شود زیرا \langle و \rangle به آن آسیبی نمی‌رساند (Modi, 1901: 89/3-5).

^۱ در مورد حقوق اجتماعی بردگان، نک. (حسینی، ۱۳۹۷ ب: ۷۹-۱۰۴).

^۲ در مورد رهن و احکام آن، نک. (حسینی، ۱۳۹۷ الف: ۴۹۵-۵۱۶).

^۳ اگر گروه‌دهنده بترسد که وثیقه او را گروه‌گیرنده با دادن وام صاحب شود، در این صورت نیز می‌تواند به داوران شرعی مراجعه کند.

حکم فوق تأکیدی است بر این که، پیمان نامه رهن فسخ نمی‌شود و مبلغ وام در نزد گروه‌دهنده می‌ماند، تا زمانی که طرفین در تنظیم قرارداد مشخص کرده‌اند؛ زیرا وام آسیب‌پذیر نیست. پس از پایان رهن، گروه‌دهنده طبق قرارداد، وام را می‌پردازد و وثیقه‌اش را از ردان پس می‌گیرد.

ه) انتقال اموال کافر و جادوگر به رد: جادو، دین اهریمن و دروغ سلاح اوست (بهار، ۱۳۸۰: ۱۲۲). به همین سبب، جادو و جادوگری در تقابل با راستی بود و از گناهان بزرگ در منابع فقهی و حقوقی به شمار آمده است.^۱ در کارنامه اردشیر بابکان، اصطلاح «جادوگر» برای ناسزا گفتن به کار رفته است. وقتی همسر اردشیر به او زهر می‌دهد، اردشیر- که نماد راستی و نیکی است- او را در تقابل با خود «جه جادوی دروندزاده» خطاب می‌کند (فروه‌وشی، ۱۳۷۸: ۹۷). جه/ جهی نام دختر اهریمن است. در واقع، ناسزای اردشیر بدین صورت است: زن بدکار جادوگر فرزند اهریمن (حسینی، ۱۴۰۱ الف: ۳۸-۵۱). در یسنا ۱۲- که مانند یک اقرارنامه مزدپرستی است- یک زردشتی از روی ایمان باید با همه مشرکین و مفسدین قطع رابطه کند و جادویی و دروغ را ترک کند (پورداد، ۱۳۸۷: ۱۸۴).

در مادیان سه حکم در مورد جادو و جادوگر آمده است:

- **حکم نخست:** در باره جادوگر آمده است که: اگر نشانه جادوگری از کسی ظاهر نشده باشد، هیچ‌گونه قضاوتی نمی‌شود؛ ولی اگر جادوگری کسی ثابت شود، هیچ اغمازی در کار نیست.

pad jādūg ka daxšag nē (12) gōwēd nibištag nē kunišn ud ka kard
nē āhōgēnišn (A15/11-12).

در باره جادوگر: اگر نشانه‌ای اظهار نشود <حکمی> نباید نوشته شود اما اگر اظهار کرد
نباید <حکم> ناقص باشد.

- **حکم دوم:** بنا بر این حکم، اگر جادوگری کسی ثابت می‌شود، همه دارایی او به رد منتقل می‌شود؛ در صورتی که جادوگر آسیبی به کسی رسانده بود، دارایی او به فرد آسیب دیده می‌رسید و اگر به

^۱ نک. (مزدپور، ۱۳۶۹: ۱۳۲ و ۱۵۵)، (پورداد، ۱۳۷۷: ۱۴۵/۱، ۲۳۹، ۳۶۳ و ۱۲۰/۲، ۱۳۳)، (ژنیو، ۱۳۸۲: ۵۳، ۷۱، ۸۷ و ۸۹)، (راشدمحصل، ۱۳۸۵: ۴۷، ۵۱، ۶۱ و ۶۳). جادو و جادوگری ممنوع و مورد نکوهش بوده. یکی از مواردی که در دین مزدیسنان، مرد می‌تواند زن را طلاق دهد این است که زن جادو کند و یا آموزد. جادویی آموختن از بدترین گناهانی بوده که حکم مرگ ارزان برای آن صادر می‌شده است. نک. (Dhabhar, 1909: 48, 102, 107, 159). در یشت‌ها اشاره شده است که نماز انیریا من تمام خرد خبیث و همه جادوگران و پریان را بر می‌اندازد. نک. (پورداد، ۱۳۷۷: ۱۴۱).

جادوگری او گواهی می‌دادند و آسیب دیده‌ای نبود، آن وقت، دارایی جادوگر به شاهدان می‌رسید. در واقع، گفته می‌شود که اگر یک فرد زردشتی ببیند کسی جادوگری می‌کند، بر او واجب است که دیگران را از کردار وی آگاه سازد و در نهایت، به حاکم شرع اطلاع داده شود. چنانچه آسیب دیده‌ای نباشد، اموال آن جادوگر به شاهدان می‌رسد. در ادامه، مفسر حکم کافر را هم، هم‌چون جادوگر می‌داند.

ān ī guft (13) kū ōy ī jādūg xwāstag ī-š ast ka-šān jādūgīh ōst pad rad ēstēd (14) ud ka-šān murnjēnišn kard ō ōy kē murnjēnišn andar kard ud ka-š gugāyīh (15) abar dahēnd ud wināh andar kē kard pad nāmčīšt nē paydāg ō gugāyān appār (16) ud zandīgīh <ōwōn čiyōn> jādūgīh (A38/12-16).

دیگر گفته شده است: کسی که دارایی از جادو دارد <حکمش چنین است>: اگر آن‌ها به جادوگری <او> مطمئن هستند <دارایی> به رد می‌رسد. و اگر به کسانی آسیب شدید رسانده باشد <دارایی جادوگر> به آن که آسیب دیده است، منتقل می‌شود. و اگر گواهی علیه او دهند و گناهی در حق کسی کرده باشد <که> دقیق مشخص نباشد <دارایی جادوگر> به نفع گواهان صادره می‌شود و <حکم> زندیقی (= مانوی) نیز مانند جادوگر است.

حکم سوم: این حکم بیان‌گر مجازات جادوگری علاوه بر مصادره اموال جادوگر است؛ به نظر می‌رسد بعد از مصادره اموال، حلقه (نشان بدنامی) به گردن او می‌بستند یا مانند گوشواری بر گوش جادوگر می‌آویختند تا زمان آزمایش دینی. چنانچه جادوگر، نشان بدنامی را می‌شکست (باز می‌کرد)، باید آزمایش دینی را زودتر از زمان تعیین شده انجام می‌داد. ممکن بود از آزمایش دینی جان سالم به‌در ببرد و ممکن بود بمیرد.

jādūg ī pāyram dusraw čambar ō (16) garden ud gōšwār ō duš-kardan tā warōmand kard ayāb bōxt ud be hilišn ka-š (17) čambar ayāb gōšwār ēk škast pad warōmand dāštan (A15/15-17).

جادوگر بدنام در جامعه برای زشت‌کاری حلقه بر گردن یا گوشوار <در گوش باید باشد> تا انجام آزمایش الهی، یا نجات یابد و رها شود <یا نه>. اگر یکی حلقه یا گوشواره را شکست، باید او را به آزمایش الهی واداشت.

در ادامه حکم ب، که موضوع بازنگری برخی اسناد و احکام صادره پیشین مطرح شد، آمده است: پرونده فساد و بدنامی و جادوگری شامل این بازنگری نمی‌شود.

bē ān kē jādūg ud wināh ud dusrawīh ī pad nāmčīšt (11) gōwēn ēnyā
nē brīd rāy nibīšt ēstēd (Modi, 1901: 78/10-11).

به جز آن، برای کسی که به جادوگری، فساد و بدنامی می‌شناسند، نباید <پرونده و پرسشنامه> تنظیم شود.

و) اجازه برگزاری جلسه دادگاه در خوارستان: مقام بالای ردان را می‌توان از حکمی دریافت که نوشته شده است: مراسم سوگند یا دادگاه آزمایش دینی (ور) با حضور داوران و موبدان برگزار نمی‌شود، مگر این‌که ردان درباره تشکیل چنین دادگاهی تصمیمی بگیرند. تشکیل جلسه دادگاه در خوارستان از سوی رد صادر می‌شود.

در ارتباط با وَر (آزمایش الهی)، از سوی داوران و نیز موبدان، در خوارستان تا رد دستور ندهد، جلسه دادگاه تشکیل نمی‌شود (Anklesaria, 1912: 12/11-12).

بنابر این حکم، می‌توان رد را وَر-سالار (war-sālār) نیز دانست. «وَر-سالار، مسئول برگزاری مراسم وَر یا آزمایش الهی است. این شخص که معمولاً رد باید باشد، در انجام مراسم سوگند در خوارستان مسئولیت مستقیم داشته است (عریان، ۱۳۹۱: ۳۴۴). در باره وظایف وَر-سالار در *مادیان* چنین آمده است: «وَر-سالار در همه امور مربوطه از به تاخیر انداختن آزمایش الهی تا انجام (آن) آزمایش الهی و از انجام مراحل آزمایش الهی تا مهر کردن یزش - نامه^۱ و نیز هر آن‌چه که داور در آن صلاحیت دارد (ذیصلاح است)» (Anklesaria, 1912: 27/7-9)؛ (عریان، ۱۳۹۱: ۳۳۸) و (Perikhanian, 1997: 294).

ز) احکام مهراسپند رد: در *مادیان*، از ردی به نام مهراسپندان^۲ «معاصر با مهر نرسی» (Perikhanian, 1997: 417)، نام برده شده و سه حکم از او آمده است، احکام صادره با نام

^۱ سندی که صدور آن در خوارستان موید انجام درست و کامل سوگند بوده است (عریان، ۱۳۹۱: ۳۴۴).

^۲ مهراسپند نام چند موبد و صاحب‌نظر فقهی است. معروف‌ترین آن‌ها آذربادمهراسپندان (آذرباد پسر مهراسپند) آمده است: نام و رای صاحب نظری چون آذرباد مهراسپندان در کتاب «شایست ناشایست» آمده است. او در حکمی فقهی گفته است که، کسی که گناه بزرگی مرتکب شده باشد باید در ستایش ایزدان کوشاتر باشد و توبه کند و بنا بر قاعده، آن را جبران کند (مزدایور، ۱۳۶۹: ۱۰۳). و نیز گفته است کسی که از دنیا می‌رود برای آسایش روح او بهتر است که به جای صرف پارچه برای کفن مرده، به نامگانه او به زندگان جامه هدیه داد (همان: ۱۳۴، ۱۴۴ و ۱۵۳). آذرباد مهراسپندان در زند وندیداد فرگرد ۴، بند ۴۵ (ص ۱۲۹، س ۱۳، و تفسیر آن ص ۱۳۰، س ۱۰) عنوان «تختستین هیرید» دارد (همان: ۸۶). آذرباد مهراسپندان که به بساخت (آزمایش دینی) او اشاره شده است، موبدان موبد در دوره پادشاهی شاپور دوم ساسانی بوده و گردآورنده خرده اوستاست (راشدمحصل، ۱۳۷۰: ۲۷).

مهراسپند نیز گویای برخی حوزه‌های نظارت و فعالیت ردان هستند. دو حکم، مسایل مربوط به سالاری آتش و آتشکده را دربر دارند و در یک حکم ضرورت ادای دین متوفی^۱ بیان می‌شود.

یک) ضرورت گماردن سالار برای آتشکده بهرام: مهراسپند رد معتقد است که آتش بهرام باید سالار و اداره‌کننده‌ای داشته باشد؛ حتی اگر برپایی آن برای عموم نباشد و منظور بنیان‌گذار آتش، برپایی آتشکده برای خانواده خود و خصوصی باشد. این حکم با توجه به تقدس و دشواری تطهیر آتش بهرام و هزینه بالای آن^۲ و روشن نگهداشتن آن صادر شده است.

abāg ān ī mahrspand <ī> rad būd <guft kū> kē kard kū-m pad
dūdag ī xwēš (8) ātaxš-ē pad warahrānīh ō dādgaḥ nišāst stūr
gumardan (Anklesaria, 1912: 39/7-8).

در ضمن مهراسپند - که رد بود - گفته است که، اگر کسی اظهار کرد که من برای دوده (خانواده) خود، آتشی را به‌عنوان آتش بهرام در آتشکده نشاندم، باید قیم گمارده شود.

در منابع فقهی و حقوقی، به دلیل تقدس و اهمیت آتش بهرام، جزیی‌ترین مسایل آن نادیده گرفته نمی‌شود. «در دین گفته شده است که: هر جا بهدینی باشد، آتش بهرام نیز در آن شهر و جایگاه باید باشد؛ زیرا آتش بهرام هم‌چون پاسبانی است که آن جایگاه را از همه آفت‌ها و بلاها نگاه می‌دارد. اگر آتش بهرام را با قصد یا بی‌قصد بگذارند بمیرد (خاموش شود) آن کس محکوم به مرگ و دوزخی خواهد بود» (Dhabhar, 1909: 84-85). هم‌چنین، در باره ضرورت وجود سالار و متولی آتش آمده است که: باید به آتش بهرام هیزم تمام بدهند و کسی که می‌افروزد، او را نان و نفقه بدهند (Ibid: 30). در ضمن «سالاری آتشی که کسی در آتشگاه بهرام نشانده است، به خانواده آن کسی که آن آتش را در آتشگاه بهرام نشانده است، می‌رسد» (Modi, 1901: 27/1).

به نظر می‌رسد برپایی آتشکده بهرام در دوره ساسانیان علاوه بر جنبه تقدس آن برای جامعه دینی زردشتی، نقش امنیت و صلابت در راه‌ها را نیز برای رهگذران و مسافران داشته است.

^۱ نک. (حسینی، ۱۴۰۱: ۱۰۳-۱۲۶).

^۲ تطهیر آتش بهرام دشوار بود و برپایی آن گران تمام می‌شد. در مورد مناسک آتش، نک. (هینلز، ۱۳۷۷: ۱۷۷-۱۸۰). در مورد سالاری موقوفه و آتشکده، نک. (Modi, 1901: 24/12-29/11). بنا به کارنامه اردشیر بابکان، بنیان‌گذار ساسانیان، به شکرانه پیروزی خود آتشکده‌های بسیاری را در جای جای ایران برپا کرد. نک. (فرهوشی، ۱۳۷۸: ۴۷-۵۱) و (حسینی، ۱۴۰۱ الف: ۳۸-۵۱).

درباره برپا کردن آتشکده بهرام که نماد امنیت^۱ سفر مردم از دهی به ده دیگر و یا از شهری به شهر دیگر است، چنین آمده: اینکه آتش بهرام را که در شهری یا در دهی نهاده باشند، نیکو باید داشتن. چه اندر دین پیداست که اگر آتش بهرام نبود، هیچ کس از شهری به شهری نتوانستن شدن. زیرا که از خوره (شکوه) آتش بهرام است که در راهها کس بر کس زیادتی (دست درازی) نتواند کردن (Dhabhar, 1909: 30).

دو) اظهار عدم توافق رد با مقام سیاسی در موضوعی فقهی: در فصلی از مادیان به موضوع سالاری به تفضیل پرداخته شده است (Modi, 1901:24/11-29/11). بنا بر احکام، سالاری در خانواده سالار موروثی می شود (Ibid: 25/15-26/1) و سالاری آتشکده به خانواده کسی که آن را نشانده است، می رسد (Ibid: 26/17-27/1). معمولا سالاری آتشکده با سالاری دودمان همراه است؛ یعنی سالار دودمان، سالار آتشکده نیز خواهد بود (Ibid: 27/4-5). در حکم زیر، وقتی مهر نرسی برای دو آتشکده، سالار تعیین می کند، مهر اسپند رد حکم صادر می کند که این سالاری آتشکده در فرزندان افراد منصوب شده، موروثی نشود، و سالاری به فرزندان افراد منصوب شده نرسد. به نوعی عدم رضایت خود را از این انتصاب اظهار می کند.

و گفته شده است که، مهر نرسی بزرگ فرمدار در باره دو آتشکده گفت که: برای سالاری یکی >از آتشکده ها< مردی و برای یکی <دیگر از آتشکده ها> مردی را منصوب کردم. مهر اسپند که رد بود، حکم صادر کرد که سالاری آتشکده به فرزندان آن مردان نمی رسد (Anklesaria, 1912: 35/17-36/3).

^۱ با توجه به مطالب موجود می توان گفت، برپایی آتشکده بهرام مانند فانوس دریایی - که نماد امنیت دریا تلقی می شود نماد امنیت راهها بوده است. نخستین فانوس های دریایی با آتش روشن بوده است: در زمان باستان، دریانوردان اغلب راه خود را به ساحل از طریق آتش عظیمی که روی تپه های بلند ایجاد می شدند، پیدا می کردند. بعدها این آتشها جای خود را به سازه هایی دادند که فانوس دریایی نام گرفتند (URL1)؛ و جالب است بدانیم که بنا بر کتاب کارنامه اردشیر بابکان، اردشیر وقتی از دست سواران اردوان نجات پیدا می کند، برای سپاسگزاری از آفریدگار، آتش بهرام را کنار دریا برپا کرد؛ چونش دریا به چشم بدید، اندر سیاسداری انگارد و آنجا روستایی بوخت اردشیر (بوشهر) نام نهاد و به آنجا آتش بهرام بر دریا فرمود نشاستن (فروهوشی، ۱۳۷۸: ۴۷). و ایزد بهرام در میان سربازان بسیار محبوب بوده و احتمالا سربازان آیین نیایش او را به سرزمین های دوردست برده اند او در پس چهره هرکلس (هرکول) در کوماگنه (شمال شرقی سوریه) ... قرار دارد (هینلز، ۱۳۷۷: ۴۳). و نام قدیمی ترین فانوس دریایی به نام هرکول همتای بهرام ایرانی موجود است. «اولین فانوس دریایی را مصریها ساختند. این فانوس دریایی که فرح اسکندریه نام داشت، در قرن سوم پیش از میلاد ساخته شد. این فانوس دریایی با آتش کار می کرد. قدیمی ترین فانوس دریایی موجود که امروزه هنوز امکان بازدید از آن وجود دارد یک فانوس دریایی به نام هرکول است که در بندر لا کرونا (La corona) اسپانیا قرار دارد. این فانوس دریایی در قرن یکم ساخته شده است امروزه هنوز کار می کند (URL2).

سه) ضرورت پرداخت بدهی متوفی: برای پرداخت بدهی متوفی هیچ عذری قابل قبول نیست. حتی اگر بازماندگان اصلی با سوگند خوردن بخواهند صداقت اظهارت خود را ابراز کنند. در حکم زیر، مهر اسپند رد معتقد است، سخنان سالار و بانوی خانواده مبنی بر بی‌خبر بودن از دین متوفی و به‌جای نیامدن آن نباید پذیرفته شود؛ حتی اگر آن‌ها سوگند به‌جای آورده باشند نیز نباید از انجام تعهدات متوفی سرباز بزنند.

آن‌گونه که در «نوشته» مهر اسپند رد، دیدم، مهر اسپند رد گفته است که، برای ادای دین بزرگ خانواده، سالار و بانوی خانه را نباید رها کرد، هر چند با <گفتن> «نمی‌دانستیم»، سوگند به جای آورند (Modi, 1901: 13/4-6).

ح) نظارت رد به حسابرسی‌های خزانه: در حکمی رد و حسابرس با هم به موضوعی می‌پردازند. همان‌طور که از نام حسابرس پیداست، بررسی دارایی‌های خزانه شاهی از وظایف اوست. حسابرس نخست ارزش و بهای اموال منقول و غیرمنقول و ورود دارایی به خزانه شاهی و خروج آن و میزان مالکیت بدهکاران و برآورد و اخذ تاوان و اسناد واگذاری و تحریم و غیره را محاسبه و آماده می‌کند. سپس با حضور رد میزان دارایی خزانه را گزارش می‌دهد و اسناد را ارائه می‌دهد و این‌که از کجا به خزانه خسارت وارد شده و در میان چه کسانی و چگونه تقسیم شده، تفکیک می‌شود و این‌که چه کسانی آن را باید در اختیار داشته باشند در صورت لزوم حکم صادر می‌شود. در ادامه حکم نیز افزوده شده است، حسابرسان در برآورد مالیات و ستاندن آن نیز صلاحیت دارند. در واقع، پس از بررسی، اگر حسابرس تشخیص دهد مالیاتی گرفته نشده، می‌تواند مالیات را برآورد کند و آن را بگیرد.

rad ud āmārgar pad-iz ān ī pad xīr ī (4) šāhīgān čand ud az kū wizīd
ud abar kē <ud> čiyōn baxtan ud widāštan rāy pad pāymār (5)
kunēnd ēwar āmārgarān pad hangārdan ud ul stadan ī sāk ēwar
(Anklesaria, 1912: 28/3-6).

رد و حسابرس به میزان دارایی خزانه شاهی رسیدگی می‌کنند، هم‌چنین این‌که از کجا <به خزانه> خسارت وارد شده و در میان چه کسانی و چگونه تقسیم شده/شود، جدا می‌کنند/ مشخص می‌کنند و برای در اختیار گرفتن <کسان> حکم صادر می‌کنند. علاوه بر این حسابرسان در برآورد و ستاندن مالیات نیز صلاحیت دارند.

ارزش و اعتبار مَهر^۱ رَدان

منابع هم‌زمانی- وجود مَهرهای فراوان و اشاره‌های مادیان *هزاردادستان*- نشان می‌دهند دستگاه روحانیت ساسانی تشکیلاتی دارند. شاهان اصلاح‌طلب ساسانی بیش از پیش به رسمی کردن مناصب و وظایف روحانیان با تهیه مَهرهای مخصوص که وظایف آن‌ها را روشن می‌کرد، مصمم شدند (میرزایی، ۱۳۹۱: ۱۴۹-۱۵۰). در حکمی اشاره می‌شود که، مَهر موبدان در آغاز به فرمان قباد پیروزان رسمی می‌شود. هنگامی که مَهر موبدان پارس کنده می‌شود، نام موبد نه با عنوان موبدی، بلکه با عنوان «وکیل درویشان» نوشته می‌شود (Modi, 1901: 93/4-9). احکام نشان می‌دهند که مَهر رَدان مانند موبدان به اسناد اعتبار می‌دهد؛ در انتقال دارایی باید سند را موبدان و رَدان، هر دو مَهر کنند. یعنی با مهر هر دو، سند معتبر می‌شود.

ka gōwēd kū agar pad muhr ī radān ayāb pad muhr ī (16) mōwbedān nāmag nē dārēm xwāstag tō xwēš bē ka pad har 2 nāmag dārēd ēnyā (17) xwāstag be rasēd. ud ka gōwēd kū, agar pad muhr radān ayāb mōwbedān nāmag(1) nē āw[arom] xwāstag tō xwēš ka pad muhr ī ēk āwarēd wahrām (2) guft kū xwāstag nē rasēd (Anklesaria, 1912: 18/15-19/2).

چنان‌چه کسی بگوید که سندی با مَهر رَدان یا مَهر موبدان ندارم، دارایی متعلق به تو باشد <حکم چیست> در صورتی که سند مَهر شده هر دو را داشته باشد، دارایی <به آن فرد> می‌رسد. اما اگر کسی بگوید که سندی با مَهر رَدان یا مَهر موبدان نیاوردم، دارایی متعلق به تو باشد، دارایی <به آن فرد> نمی‌رسد. بهرام گفته است که اگر کسی سندی با مهر یکی از دو مرجع هم بیاورد، دارایی <به آن فرد> نمی‌رسد.

^۱ در باره مَهر، نک. (Perikhanian, 1997: 373). دو فصل در مادیان راجع به اسناد مهر شده وجود دارد: الف) فصل مربوط به آنچه نوشته شده و مهر شده و دیگر سخنان قابل تامل (Anklesaria, 1912: 30/5-32/2)؛ ب) فصلی که به احکام قطعیت یافته در مدارک پیشین و مَهر شدن آن‌ها می‌پردازد (Modi, 1901: 77/4-78/17, 93/1-95/4). البته، به ضرورت در بخش‌های مختلف این مجموعه حقوقی به مَهر و اسناد معتبر و مهمور پرداخته می‌شود. فراگیری کاربرد مَهر در مادیان برای معتبر شدن اسناد دیده می‌شود؛ مانند سند ازدواج با مَهر معتبر می‌شود (Ibid: 32/4-10)؛ (حسینی، ۱۴۰۰: ۱۰۹)؛ در تهیه استشهداد، شهود اظهارات خود را مَهر می‌زنند و با مَهر بازپرس، سندی معتبر برای ارائه به دادرس فراهم می‌شود (Modi, 1901: 78/2-7)؛ در واقع، سند بازپرسی باید با مَهر کسی که بازپرسی به او مربوط می‌شود، مَهر شود (Ibid: 78/14-15) و...

بحث

از دین مردان نام برده شده در *مادیان*، موبدان طبقه نخست جامعه روحانیت بودند؛ این که موبدان موبد هرچه می گوید نباید شک کرد و سخنان او نافذتر از آزمایش دینی است، بیان گر قدرت بالای موبدان موبد در این کتاب حقوقی است و می توان این سخن را بدین گونه تفسیر کرد که یک سری آیین باستانی در صورت لزوم می توانست با حکم موبدان موبد بازنگری شود. مثلاً، اگر کسی به گناهی باید مورد آزمایش دینی قرار بگیرد، موبدان موبد می توانست بدون آزمایش دینی، در مورد تاوان گناهکار تصمیم بگیرد. گفته می شود «موبدان موبد را شاه انتخاب می کرده و در دربار نهایت نفوذ را داشته و سایر روحانیون را او معین می کرده است» (صفی زاده، ۱۳۹۱: ۶۳۴). در حکمی دیدیم که پیروز شاه برای ادامه محکومیت مهر نرسی با موبدان موبد مشورت می کند. در این گفتار امکان نداشت، بدون اشاره اجمالی به کل تشکیلات روحانیون، فقط به طبقه ردان و وظایف آن ها پرداخت. بنابراین، معرفی چهار موبدان موبد مشهور و احکام آن ها از *مادیان* به پر بار شدن این گفتار افزود. هیربدان که در متون دینی جزو آموزگاران احکام شرعی بودند، در *مادیان* نقش چندانی ندارند. یک حکم از این روحانیون آمده بود که لزوم تشکیل جلسه ای را برای اعتمادسازی باید هیربدان بدهند. دستوران، این پیشوایان دینی در *مادیان* بر منصب قضاوت نشسته اند؛ قانون گذاران و مفسران حقوقی حضور آنان را در این منصب پذیرفتند و مقررات و حدود و وظایفی برای آن ها مشخص کردند. کتاب *شایست و ناشایست*^۱ در باره این که چه کسی شایسته مقام دستوری است توضیح می دهد: آن کس شایسته است که قانون و زند را از بر داند؛ پادافراه گناه را از بر داند و خویشتن ویراسته (=صالح) باشد. قولی هست که چنین گوید، هیربدستان نیز باید کرده باشد. او (=اعتراف گیرنده) چون پادافراه گناه را از بر بداند و خویشتن ویراسته باشد، شایسته است (مزداپور، ۱۳۶۹: ۹۸-۹۹). در واقع، از گذشته های دور، دستوران و مردم ارتباط نزدیک تری نسبت به سایر مقامات حقوقی داشتند. به همین دلیل وقتی این دین مردان بر منصب قضاوت نشستند، مردم برای رسیدگی به امور مالی و حقوقی خود گاهی اختیار تام به آن ها می دادند؛ مفسران در اختیار کامل به دستور دادن، هشدار می دهند و می گویند، اگر اختیار تام از سوی مردم به دستور داده نشود، در صورت عدم رضایت از دستور دستور، می توان به او اعتراض کرد و تقاضای جبران خسارت کرد. آن چه مشخص است، دستوران توانستند اعتماد قانون گذاران را جلب کنند، تا آنجا که در برخی امور، حکم صادره آن ها، الگوی دادرسی های

^۱ شایست ناشایست نام کتابی به زبان پهلوی یا فارسی میانه زردشتی است که گزیده ای از مهم ترین مباحث در عهد ساسانیان در آن آمده است (مزداپور، ۱۳۶۹: هفت).

مشابه قرار می‌گیرد. صدور قوانین نوآورانه بیان‌گر توان‌مندی دستوران در حوزه قضاوت است.^۱ در *مادیان*، ردان دین‌مردانی بسیار پر قدرت در دوره ساسانیان هستند که هم بر مسایل دینی نظارت دارند و هم به عنوان معتمدان پادشاه، عملاً کشور را اداره می‌کنند. چرا که زیربنای قدرت و ثبات یک کشور، اقتصاد آن است. پس نظارت این دین‌مردان دانشمند بر دارایی‌ها و تفکر رشد اقتصادی بیان‌گر توان‌مندی آن‌ها در امور سیاسی و حکومتی است. می‌توان گفت در دوره ساسانیان تشکیلات ردان با دانش بر دین و حکومت بسیار پرتانگیزه و کوشا برای حفظ دین و دولت می‌کوشند.

نتیجه

بنابر احکام با شکل‌گیری تشکیلات جامعه روحانیت، ردان جایگاهی نزدیک به موبدان پیدا کردند. مَهر ردان مانند موبدان به اسناد اعتبار می‌داد؛ موبدان و ردان، در انتقال دارایی باید سند را مَهر کنند. یعنی با مَهر هر دو سند معتبر می‌شود. موبدان طرف مشورت شاه واقع می‌شوند و ردان به‌عنوان نماینده پادشاه، تغییرات حکومتی و حقوقی را به انجام می‌رسانند. ردان مانند موبدان به علوم دینی و دانش‌های زمان خود آگاهند. ولی در *مادیان*، جایگاه معنوی و دینی موبدان بر سایر جایگاه این دین‌مردان پر قدرت برتری دارد. ردان علاوه بر دانش دینی و سیاسی بر دانش اقتصادی نیز اشراف دارند. در موضوع دینی آتشکده، آن قدر فرمان رد می‌تواند مهم باشد که حتی فرمان نخست وزیر را مورد پرسش قرار دهد؛ یا جلسه دادرسی برای آزمایش دینی فقط با اجازه رد صادر می‌شود؛ انتخاب سالار برای آتشکده خانواده ضمن حفظ مسایل دینی مسایل اقتصادی و مالیاتی آن نیز رصد می‌شود و در نظارت بر پرداخت بدهی متوفی از سوی بازماندگان امنیت داد و ستدها و قول‌ها در جامعه مدنی دوره ساسانی تضمین می‌شود. صدور حکم خرید اسرای ایرانی با دارایی آتشکده و خادم شدن اسیر خریداری شده در آنجا، ضمن حفظ غرور ایرانی، تبدیل دارایی به سرمایه‌ای با ارزش افزوده است که به‌روز می‌تواند به اصل برگردد. نظارت و تضمین امنیت مال‌گروی از سوی ردان، بیان‌گر دانش اقتصادی به‌روز این دین‌مردان با نیاز مردم جامعه همراه است. این نظارت بر امنیت رهن و فراگیر شدن آن برای رفع نیازهای مردم، آرامش روانی در پی دارد. مثلاً کسی نیازی پیدا کرده، زمین زراعی خود را گرو می‌گذارد و مبلغی برای زمان مشخص وام می‌گیرد؛ اگر نظارتی بر زمین زراعی نباشد و آن زمین آسیب ببیند و کشت و برداشتی در آن نشود، هدف رهن که کارگشایی است، تامین نمی‌شود. بنابراین، گروه‌دهنده از ردان نظارت را می‌خواهد. آن‌ها ضمن حفاظت وثیقه، درآمدزایی آن را نیز تامین می‌کنند. هم گروه‌دهنده

^۱ نک. یادداشت ۲.

مشککش برطرف می‌شود، هم گروگیرنده سود خود را می‌برد و هم دولت مالیات خود را از آن نظارت می‌گیرد. انتقال دارایی جادوگر به ردان نیز بیان‌گر جایگاه مدیریت اقتصادی ردان است. این‌که این دارایی‌ها و درآمدها کجا هزینه شود و در نهایت برای اعتلای دین و دولت به خزانه حکومت واریز شود، همه را رد تایید و نظارت می‌کند. در احکام دیدیم که تمام ورودی‌ها و خروجی‌های دارایی خزانه حکومتی، پس از بررسی‌های حسابرس، با تایید رد نهایی می‌شود. نقش و جایگاه ردان در *مادیان* بیان‌گر قدرت دینی، سیاسی و اقتصادی این دین‌مردان است. در دین نقش پیشوایان دینی را دارند که از دین و باورها محافظت می‌کنند و در حکومت نقش اقتصاددانان زنده‌ای را دارند که بودجه کشور را برآورد و تضمین می‌کنند.

پژوهش حاضر بخشی از نتیجه‌گیری دلپذیر و همکاران (۱۳۹۰) را تایید نمی‌کند که ردان همان دستوران یا دادوران بودند؛ زیرا در *مادیان*، دستوران پیشوایان دینی-حقوقی با وظایف مشخص به غیر از ردان هستند. بخشی را تایید می‌کند که ردان و موبدان کارکردهایی مشترک دارند. حکمی که بیان می‌کند، اسناد با مُهر موبدان و ردان (هر دو) معتبر می‌شود، گویای این کارکرد مشترک می‌تواند باشد. نتایج هر دو پژوهش رابطه دین و حکومت را در دوره ساسانیان اثبات می‌کند.

کتابنامه

- آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد (۱۳۸۶)، *کتاب پنجم دینکرد*، تهران: معین.
- بهار، مهرداد (گزارنده) (۱۳۸۰)، *بند هیس*، فرنیخ‌دادگی، تهران: توس.
- پورداد، ابراهیم (۱۳۳۷)، *یسنا (بخش دوم)*، به کوشش بهرام فره‌وشی، تهران: انجمن ایران‌شناسی.
- پورداد، ابراهیم (۱۳۷۷)، *یشت‌ها*، تهران: اساطیر.
- پورداد، ابراهیم (۱۳۸۱)، *یادداشت‌های گات‌ها*، تهران: اساطیر.
- پورداد، ابراهیم (۱۳۸۷)، *یسنا (بخشی از کتاب اوستا)*، چ. دوم، تهران: اساطیر.
- پیرنیا، حسن (۱۳۸۷)، *تاریخ ایران*، چ. نهم، تهران: نامک.
- حسینی، زهرا و میرفخرایی، مهشید (۱۳۹۵)، «سالاری زن از مجموعه هزار قضاوت»، *مطالعات زن و خانواده*، دوره ۴، شماره ۲، ۵۷-۷۶.
- حسینی، زهرا (۱۳۹۷ الف)، «*احکام رهن (=گروگانی) در مادیان هزار دادستان*»، پنجمین همایش متن پژوهی ادبی سبک‌شناسی بلاغت نقد، جلد ۳، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۴۹۵-۵۱۶.
- حسینی، زهرا (۱۳۹۷ ب)، «حقوق اجتماعی بردگان از مجموعه هزار قضاوت»، *پژوهش‌نامه تاریخ*، دوره ۱۳، شماره ۵۱، ۷۹-۱۰۴.
- حسینی، زهرا (۱۳۹۷ ج)، «*دستوران و وظایف دستوری از مادیان هزار دادستان*»، ششمین همایش متن پژوهی ادبی، نگاهی تازه به ادبیات داستانی، جلد ۲، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۵۳۳-۵۵۵.
- حسینی، زهرا (۱۳۹۸ الف)، «*احکام تناقض‌گویی (گشته‌سخنی) در مادیان هزار دادستان*»، مجموعه مقالات چهاردهمین گردهمایی بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی، به کوشش علیرضا مظفری، جلد ۳، اورمیه، ۱۳۳۴-۱۳۳۸.
- حسینی، زهرا (۱۳۹۸ ب)، «*بررسی احکام حقوقی از یس-ماند (دعوی مالکیت) از مادیان هزار دادستان*»، هشتمین همایش متن پژوهی ادبی، نگاهی تازه به متون حماسی، مجموعه مقالات محور عمومی، جلد ۱، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۲۱۳-۲۳۴.

حسینی، زهرا (۱۴۰۰)، *مادیان هزار دادستان*، تهران: فروهر.

حسینی، زهرا (۱۴۰۱الف)، «نقش اسطوره‌های ایرانی در کارنامه اردشیر بابکان»، *جلوه هنر*، دوره ۱۴، شماره ۱ (پیاپی ۳۴)، ۳۸-۵۱.

حسینی، زهرا (۱۴۰۱ب)، «بررسی احکام پرداخت بدهی متوفی (tōzišn) و تسویه بدهکار (pēš-tōzišnīh) در زمان ساسانیان از مادیان هزار دادستان»، *پژوهشنامه تاریخ*، دوره ۱۷، شماره ۶۶، ۱۰۳-۱۲۶.

دلپذیر، زهرا؛ شامیان ساروکلای، اکبر و رحیمی، سید مهدی (۱۳۹۰)، «رد و موبد در شاهنامه»، *پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی*، سال سوم، شماره ۳ (پیاپی ۱۱)، ۶۱-۷۴.

دهقان، مصطفی (۱۳۸۱)، «تحقیق و ترجمه‌ای جامع از کتاب مادیان(ماتیکان) هزار دادستان»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، شماره ۵۸ و ۵۹، ۵۵-۵۸.

رسولی (طالقانی)، آرزو (۱۳۹۶)، «بررسی تحول نقش هیربدان در عصر ساسانی»، *تاریخ اسلام و ایران*، سال بیست و هفتم، دوره جدید، شماره ۳۶، پیاپی ۱۲۶، ۶۹-۸۱.

راشدمحصل، محمدتقی (۱۳۷۰)، *زند بهمن نیسن*، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

راشدمحصل، محمدتقی (۱۳۸۵)، *وزیدگیهای زادسپرم*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ژینو، فیلیپ (۱۳۸۲)، *ارداویراف نامه*، ترجمه ژاله آموزگار، چ دوم، تهران: معین-انجمن ایران‌شناسی فرانسه.

شهرزادی، رستم (۱۳۶۵)، *قانون مدنی زردشتیان در زمان ساسانیان*، تهران: فروهر.

صفای اصفهانی، نزهت (۱۳۷۶)، *روایت امید ائسوهیشتان*، تهران: مرکز.

صفی‌زاده، فاروق (۱۳۹۱)، *تاریخ حقوق در ایران باستان*، تهران: جنگل.

فروهوشی، بهرام (۱۳۴۶)، *فرهنگ پهلوی*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

فروهوشی، بهرام (۱۳۷۸)، *کارنامه اردتسیر بابکان*، چ دوم، تهران: دانشگاه تهران.

فکری، کنایون (۱۳۸۸)، «وظایف دین مردان در ایران باستان»، *پژوهش‌های تاریخی*، دوره جدید، شماره ۱، ۱-۱۰۱-۱۱۲.

مزدآپور، کنایون (گزارنده) (۱۳۶۹)، *ثسایست نثسایست*، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

مزدایور، کتابیون (۱۳۷۰)، «درباره ساخت خانواده در دوره ساسانیان»، فرهنگ، شماره ۹، ۲۲۷-۲۸۲.

مزدایور، کتابیون (۱۳۸۹)، «بررسی چند اصطلاح فارسی میانه در باره خانواده»، زبان شناخت، شماره ۱، ۱۱-۲۲.

میراحمدی، مریم (۱۳۹۰)، *تاریخ تحولات ایران شناسی*، تهران: طهوری.

میرزایی، علی اصغر (۱۳۹۱)، «بررسی فرایند شکل گیری سلسله مراتب روحانیت در عصر ساسانی»، *تاریخ اسلام و ایران*، سال بیست و دوم، دوره جدید، شماره ۱۳، پیاپی ۹۹، ۱۴۱-۱۶۳.

میرفخرایی، مهشید (۱۳۹۰)، *روایت پهلوی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

وندایی، میلاد و تاجبخش، رویا (۱۳۹۳)، «اردشیرخوره پایتخت مذهبی ساسانیان»، *دانش مرمت و میراث فرهنگی* (ویژه‌نامه آتشکده و آتشگاه‌های ایران)، دوره جدید سال ۲، ویژه‌نامه ۱، ۱۱-۴۲.

وهمن، فریدون (۱۳۷۷)، «مادیان هزار دادستان کتاب هزار داوری (به کوشش آن‌هاید پریخانیان)»، *ایران شناسی*، سال دهم، شماره ۱، ۱۸۸-۱۹۱.

هینلز، جان (۱۳۷۷)، *تساخت اساطیر ایران*، ترجمه ژاله آموزگار- احمد تفضلی. ج. پنجم، تهران: آویشن- چشمه.

Anklesaria, T. D. (1912): *The Social Code of the Parsis in Sassanian Times or Mādigān i Hazār Dādīstān. Part II, Bombay.*

Bulsara, S. J. (1937): *The Laws of the Ancient Persians as Found in the "Mātikān ē Hazār Dādastān", or "The Digest of a Thousand Points of Law"*, Bombay.

Dhabhar, E.B.N.(1909)(ed). *Saddar Nasr and Saddar Bundelesh*. Bombay.

Macuch, M. (1981). *Das sasanidische Rechtsbuch Mātakdān i hazār Dātīstān (Teil II)*, Wiesbaden.

Macuch, M. (1993). *Rechtsskizzen und Gerichtspraxis zu Beginn des siebenten Jahrhunderts in Iran*. Wiesbaden.

Macuch, Maria (2005). "MĀDAYĀN Ī HAZĀR DĀDESTĀN," *Encyclopædia Iranica*, online edition, 2017, available at <http://www.iranicaonline.org/articles/madayan-i-hazar-dadestan> (accessed on 16 October 2017).

Modi, J.J. (1901). *Mādigān-i-Hazār Dādīstān*, Part 1, Poona.

Perixanian, A. (1973). *Sasanidskii sudebnik*, Yerevan.

Perikhanian, Anahit(1997). *The book of A Thousand Judgments(A Sasanian law-book)*. tr. Nina Garosian. New York.

Shaki, M.(1987).*Ayōkēn*. *Encyclopedia Iranica*. London-New York. Vol. III, Fasc. 2, p. 149.

Shaki, M.,(1988a) “*Barda and Barda-dūrī*”. *Encyclopædia Iranica*. Vol. III, Fasc. 7, pp. 763-766.London- New York

Shaki, M.(1988b). *Azišmānd*. in *Encyclopædia Iranica*. Vol. III, Fasc. 3, p. 261.

Shaki, M.(1990).*čakar*. *Encyclopedia Iranica*. London-New York. Vol. IV, Fasc. 6, p. 647-649.

Shaki, M.(1993).*Dādwar, Dādwarīh*. in *Encyclopædia Iranica*. Vol.VI, Fasc. 5, p. 557-559.

Shaki, M.(1994). *Dastūr*, *Encyclopedia Iranica*. London-New York. Vol. VII, Fasc. 1, pp. 111-112.

Shaki, M.(1999). *Family Law*. *Encyclopedia Iranica*. London- New York. Vol. IX, Fasc. 2, pp. 184-196.

Radān duties in the Sassanid period from the *Mādayān ī Hazār****Dādestān****Zahra Hosseini*

Abstract

Mādayān ī Hazār Dādestān is only imperfect manuscript from the legal collection of the Sassanid period. In this book, in addition to legislators and legal commentators, Zoroastrian religious authorities such as Mowbedān, Hērbedān, Dastwarān and Radān have also appeared in the role of judges and issued rulings. This article was written with the reference to *Mādayān's* legal book and with the aim of knowing the position of Radān in the Sassanid era in a historical analytical way. The questions of the article are: According to the book, what were the duties of the Radān in the Sassanid era and what are their rulings? Research showed: These religious men have certain duties in the clerical system of the Sassanid period and as assistants of the king, they tried to elevate the religious government and the country. Radān have appeared very motivated and dynamic in legislating and monitoring it and preserving religious teachings and benefit of the country. They have competent in recapturing ownership and property tax, purchase and exchange issues, and assessing the value of the fire temple property. The Sassanid government's income was derived from taxes. Determining taxes and collecting those, and dealing with the government's revenue matters were entrusted to Radān. The auditor calculated and prepared the value and price of movable and immovable property, the entry and exit of assets into the royal treasury, the documents of assignment and embargo, etc. Then, in the presence of Rad, he would report the amount of treasury assets. Rad should have reviewed and approved the auditor's report. Radān gained a special position during the Anushirvan period and their seal is given to authentic documents along with the Mowbedān seal, and their duties express their power and influence in religion and government.

Keywords: Sassanians, *Mādayān ī Hazār Dādestān*, Anoushirvan, clergy organization, Radān